

تاریخ ۴ شنبه ۹ شوال المکرم سنه ۱۳۲۸

# شش

روزنامه ایست اخلاقی و ادبی و مسلك مستقیمش تربیت نسوان  
و دوشیزه‌کان و تصفیة اخلاق زنان و غیره و غیره است .

محل اداره

طهران خیابان علاءالدوله نمره ۲۴

صاحبہ امتیاز و مدیره

خانم دکتر کمال

سر دبیر ع. صفوت

مقالاتیکه با مسلك جریده موافقت دارد

پذیرفته خواهد شد

مکاتیب وارده بصاحبانشان مسترد نمی شود

اعلانات سطرى يك قران

قیمت اشتراك

یکساله شش ماهه سه ماهه

طهران ۱۲ قران ۷ قران ۴ قران

ولایات داخله ۱۹ قران ۹ قران ۵ قران

ممالک خارجہ ۷ فرانک ۴ فرانک

نک نمره طهران ۴ شاهی

سایر ولایات ۵ شاهی

عجالتاً هفته یک نمره طبع

و نشر خواهد شد

پس از ارسال سه نمره ابونمان دریافت میشود

### اطظار به مدیره های مدارس . . .

خدمت مدیره های مدارس و سایر خاندهای محترمانه عرض میشود که آنچه لازم همراهی در ترویج روزنامه ماست بفرمایند تا این که بخوبی از عهدی این خدمت بر آیم

### اعلان

محکمه کمالی این خادمه ملت در خیابان جلیل آباد بود حالیه کافی السابق همه روزه قبل از ظهر صوای جمعه در جزو اداره حریده دانش از برای پذیرای مرضای جنتم حاضریم خانم دکتر کمال

### ﴿منازه هلندی﴾

### ﴿دهران خیابان لاله زا﴾

گرم برونه و طوریهای اعلای الوان و سایر لوازم زنانه از مر قیل و لوازم مردانه و بچه گانه یافت میشود و ماهوتهای ممتاز و پارچه های املس برای لباس زنانه خویش یافت میشود .

### منازه نوظ وور

طهران خیابان لاله زار  
کارخانه خنای زنانه از هر قبل لباس به مد تازه درخته میشود  
مسیوحس دوس

### (دایه از مادر مهربان تر نمیشود)

یکی از وظایف واجبه ما این است که بخوانیم محترمه عرض کنم از وجود دایها و دادن شکر بیکاه بفرزند یگانه خود در غیر هنگام ضرورت احتراز کنید که

### دواخانه مرکزی

مسیو شورن مسیو بوناپی  
دواسازانه مخصوص املا حضرت هاپونی  
طهران

### در خیابان ناصریه

اداره مخصوص عهت تجزیه هر نوع از اشیاء و فروش عمده هر قسم از دواجات و ابهای معدنی و لوازمات حکاسی و اسباب جراحی و عطاریات و سایر دواهای مخصوص

نتیجه آن چیز خسارت جان و مال و یشبانی بلند چیزی نخواهد بود زنهار جگر گوشهای عزیز را غذای مناسب و فخریه شیرینی که حلاق طیبیت قبل از رود در این عالم برای آن مسافر بی زاری در رک و ریسه بستان محبت مادران تهیه و نذر فرموده مایوس و محروم نتابید حقوق طیبیه طفل زبان بسته را از وی دریغ مدارید . با کسی ظلم و تعدی نتابید که قدوت و روشش در دست شجاعت و از محاکمه و محاصره با شما عاجز . . .

کودگان خود را رعایت کنید که خدا میفرماید ( المال و البنون زینة الحیوة الدنیا ) یعنی مال و فرزند زبور زندگانی هستند رسول اکرم ص فرموده است « اولادنا اکبانا » یعنی فرزندان ما جگرهای ما هستند دیگری گوید « اولادنا ثمار قلوبنا و عماد ظهورنا » یعنی فرزندان ما میوه های دل و پشتیبان وجود ما هستند ( بیت )

کامنا اولادنا بیتنا اکبانا نفسی علی الارض یعنی هر وقت فرزندان خود را بنگریم تصور میکنیم که جگرهای ما در روی زمین راه میروند اگر قدری تفق در این افکار بفرمائید و در معنی و حقیقت فرزند دقت بکار برید خواهید دانست که اولاد شما زبور زندگانی . قوت روح . میوه دل پاره جگر . روشنی چشم . قوت پشت . مصای

پیزی . آینه وجود . نماینده شرف . حافظ نام  
حاکم ذات ، مایه ابد ، تاریخ حیات . دفتر اخلاق  
تکلیف سادات شما میباشد . بشرطی که در تربیت  
لوازمات آنها سعی کنید زیرا اگر در این باب  
اگر ناهنجاری شود و اخلاق و تربیت آنها رنجشاد نهد  
نتیجه برعکس خواهد شد .

اول چیزی که مداخله در صحت مزاج و  
سلامت اخلاق طفل دارد شیری است . مسکه لشو و  
تمامی اعضا و تربیت و تحسین قوای بدنی و عقلیه  
ناوز را متعهد است هیچ غذائی از برای طفل مناسب تر  
او سازگارتر از شیر مادر نیست که خداوند تبارک  
و تعالی یعنی آن ذات رحیم و خداوند کریمی که خودتان  
نمی گوئید ( از مادر غمخوار بشما مهربان تر است ) آن  
غیر را برای طفل آماده فرموده و غز نش را  
در دك و ریشه خودتان قرار داده . . .

چگونه رو امیدارید که این نعمت خدا داد را بهوای نفس  
و پولووسی از جگر یاره بکنانه خود ممنوع داشته و  
بجای آن شیر پستان بیگانه را که ابدآ از اخلاق و  
سیرت و صلاحیت طبع و صحت مزاجش مطلع  
نیستید در کلوی آن طفل زبان بسته فرو ریخته و  
خون او را با خون مردم اجنبی مخلوط کنید ۱۱۲  
زنی را که اگر دست هرکس و بمقابله غذای  
شما فرو برد ازان غذا طبعا متنفر شده و قلبا متغیر  
میشود . چگونه راضی میشوید که پستانش را در  
دهن مبهو دل و یاره حکر شما نهاده شیر زهر آلود

### دلال مزاجت

( از زبان انگلیسی ترجمه شده )

چون در فرانکستان معمول است که در هر شهر اداره  
دائر است برای دلالی و بهم رساندن زن و شوهر  
باین معنی که هرکس میخواهد زن بگیرد و نا مزدی  
ندارد می رود بان اداره خود را معرفی مینماید و آن  
قسم زنی که میخواهد انجانشانی میدهد و حرفهای  
او را بفرماید در دفتر ثبت میشود . و کذا لک زنی مسکه  
میخواهد شوهر برود انجا می رود مدیر فرما بشناسد  
او را ثبت میکند و از روزی که اختراع عکس شده  
برای اینکار خیلی سهولیت پیدا کرده عکس آن زن و

خود را در دك و ریشه او تزریق کنید ۱۱۳ .

ایشواهران عزیز واجب است بقما عرض کنم  
که شیر در همه چیز انسان یا جوان مداخلت دارد  
( آنچه با شیر اندرون شد با جان بدر نمیشود )  
شیر لایک طبیعت طفل را نایک میکند شیر پاک  
مزاج و اخلاق او را بصحت و سلامت پرورش  
میدهد شیر زن بد خو بچه را بد خوی کند شیر  
مریض همان مرض را در دك و ریشه او جا میدهد  
زندهای دنی طبع طفل شما را بست فطرت و فرو  
مایه میکنند شیر زندهای بی پرده و مشهور کودکان شما  
را مشهور و لایالی مینماید .

آورده اند که ( بهرام کور ) را پدرش « نزد کرد »  
شاهنشاه ایران از کودکی به « نعمان بن امرء القیس »  
شهریار عرب سپرد که در کشور خود برسم عرب  
تربیت کند چون دایه آن شاهزاده از خون این عرب  
بود با اینکه بهارش کرده بودند دایه را در زمان  
رضاع از خوردن غذاهائی که مناسب حال و مزاج  
خانواده کی سلاطین ایران نیست باز دارند و طبیبان  
حاذق مواظب حفظ الصحه او بودند مع ذلك بهرام  
شاه از شیر خاتون عرب تا آخر عمر شیر شتی میخورد  
و سوار شتر میشد و آخر الامر در بالای شتر بمناکی  
فرو رفته و بهلاکت رسید . . .

نگارنده . . . دختری را دیدم که چشمش لوچ  
« احوال » بود . مادرش میگفت که در آغاز ولادت  
این عیب را نداشت . چون دایه اش لوچ بود چشم

و آن مرد را در دفتر پهلوی اسمش ضبط میکنند  
و پس از آنکه زنی را مطابق سلیقه مردی یا مردی  
را موافق میل زنی یافت اینها را بهم معرفی مینماید  
و اینها دست یک دیگر را گرفته ازان اداره بیرون میروند  
تا تقدیر چه باشد اگر قسمت یک دیگر هستند موافقت  
طبیعی را هم بعد از چند روز معاشرت حاصل میشود  
و الا از یک دیگر جدا شده در دو اداره دلالی نکاح  
اطلاع میدهند تا از برای هر یک زوج دیگر تهیه نماید  
یک روز صبح زود بر در اداره دلالی ازدواج  
دق الباب شد بسری از اجزای اداره در را کشوده عجوزه  
دید پرسید که . خانم چه فرمایش دارید — عجوزه

میکنم . که بچه اهداء طفل خود را بکسی میسپارند و بخون کسی کوشش بدن او را میروانند که از صحت اخلاق و مزاج و طبیعت او آگاهی ندارند ؟ و دفتر اعمال و عقاید او را نخوانده اید . تاریخ حسب و نسبش را نمیدانید . شاید بستگی و علاقه مادری او برای طفل شما فردا وسیله عار و ننگ و ملامت ابدی باشد . ازین گذشته معروف است که « مادر را دل سوزد دایه را دامن » دایه نافرزند خود را سیر نکند بطفل شما ترحم نخواهد کرد . اگر شیر بستن او کفایت نماید طفل شما را بندهای نامناسب سبزی می کند . و در موقع بیقراری او را بمکافات و مخدرات می خواباند .

( یکی از اطباء بزرگ که نامش در دفتر فلاسفه عظام ثبت است طفل خود را بدایه سپرد دایه را نیز طفلی بود بغایت حریص و قوی البینه این طفل وقتی بستان مادر می رسید قسمت شریک را منظور نمی داشت و دایه هم از رعایت او صرف نظر نکرده مهمان راضی را بندها ساکت مینمود . و آن طفل همیشه گریه بود پدرش چند روز یکبار به شیر دایه میسوزید و تجزیه میکرد و چیزی که باعث تولید مرض باشد در آن مشاهده نمیشد ( قبیه دارد )

— بسم الله الرحمن الرحيم —

قبیه حفظ الصحه اطفال در شماره (۲) و صفحه (۳) نوشته شده بود که اگر بچهها بیش از سه سال دارند برتقال و کلابی رسیده و سایر ميوه جات چند دقیقه بمطلبه هیچکس سر زده داخل اطاق کسی نمیشود حتی از کسان خودش )

اجازه ورود بکوشش رسید . داخل شد . دید يك خام خوشگل بسیار قشنگی با کال دلبری و طنازی پشت میز تحریر مشغول نوشتن است عجوزه از دیدن چنین ماه سپا در عجب شده پرسید خانم مستر واد حکین رئیس تشریف دارند یا خیر ؟ خانم مقبول جوابها داد بلی تشریف دارند باغبان بگویم کیست که شما را میخواهد به بند — عجوزه گفت از این مطلبها هذر میخواهم چونکه نمیخواهم اسم خود را بکسی بگویم مگر بخود رئیس خواهم گفت — خانم قشنگ گفت

دختر من تشریف یافت و بچشم دایه کشید ...  
ایضا - یکی از خوانین نجیب . تا زمان پیری در بستر خواب بول میکرد . و این عارضه را چندانی که اطباء بمعالجه پرداختند سودمند نشد . زیرا که دایه اش باین درد مبتلا بوده و از آن زن باین خاتم ارث رسیده بود . . . .  
بلی ( بشیر آندرون شد و با جان بدر شود ! )  
شیر زن بیکانه طفل بیکانه میکند !  
همچنانکه شیر مادر طفل را محبوب و کرامی مینماید . هر چه او را بیشتر در دامن زن بیکانه پرورش داده و بشیر بیکانه نشو و نما دهند از محبت و علاقه که مادر و فرزند بیکدیگر دارند بیشتر کاهیده و بهمان اندازه با قامل دایه و برادران رضای مهر و محبت پیدا میکند .

پس زنان و خاتمهایی که طفل خود را از دامن محبت دور کرده و در تحت نظر محبت و احتیاج ولی النعم اجنبی و امیکذارند نه تنها آن زبان بسته را از صحت اخلاق و مزاج محروم داشته . بلکه از محبت و نصب خانوادگی هم محروم فرموده اند . چنانکه مکرر دیده ایم طفلی را که بدایه میسپارند مانند اطفالی که بغیر مادر پرورده شده است در نزد پدر و مادر عزیز و کرامی نیست و اگر احساسات قلبیه مادران مساعدت فرماید انصاف خواهند داد که این طفل با منی درجه مظلوم واقع شده است . . . . . از خانهای بزرگوار که دایه برای پرورش بزرگوار میگیرند . سؤال

گفت رئیس تشریف دارد ؟ جوان گفت بلی در بالا خانه نشسته اند بفرماید بالا عجوزه با جوان رفت تا اطاق رئیس نزدیک شده دید بالای سر در اطاق نوشته است اسم رئیس ( مستر وات کین ) و قبیه اسم رئیس را دانست و دیگر بان جواب احتیاجی نداشت او را جواب کرده تا بخود بنتهائی با رئیس ملاقات نماید آنوقت چنانچه معمول اروپ است در راهته زده ( در اروپ معمول است وقتکه میخواهند داخل اطاق شود برای اذن دخول با آنکشت اهسته در راهته زده اگر صاحب منزل گفت داخل شوید میشوند و اگر نمیتواند کسی را بپذرد عذر میخواهد یا مهلت برای

بخورد که شیرش دارای جربی باشد

### ناخوشی اسهال

این ناخوشی کمتر از پوست مزاج در میان اطفال اتفاق می افتد. ممه‌ها باید بگدستور العمل چیزی داشته باشیم که اگر جلوگیری نتوانیم زود بچه را اسهال خواهد کرد بلکه اسباب تلف او خواهد شد خصوصاً بچه شیرخوار اگر این دستور العمل مختصر که مینویسیم قایم نکرد فوراً بغیب رجوع نماید در باره بچه شیرخوار بقدر يك قاشق جای خوری روغن کرچک باید داد و در باره بچه که از شیر گرفته باشند باندازه سه قاشق جای خوری روغن مزبور را بدهند هرگاه رفع علت نشود بطیب نشان دهند بعضی بچه‌ها که هادی یا مریض میباشند یا بست در زمستان و تابستان باید کربند یا شال پهن از پشم نرم زیر پیراهن بر روی شکم و کمر به بچند و همیشه باید پای ها را گرم و خشک نگاه دارند با جوراب و در وقت راه رفتن یا برهنه نباشند و هیچ وقت در مکان مرطوب ننشینند و روی سنگ ها یا گالی که سابه میباشند ننشینند چونکه سنگ‌هایی که در سایه هستند دارای رطوبت میباشند و از کفش خانه یا بخته پرهیز نمایند مبه یا سبز خفت خام بسیار مضر است.

غذای مناسب در این ناخوشی شیر نرم بمقدار کمی سریشم مایه داخل آن کرده باشند خوب است.

برایم عجزوزه پس از جویاب سلام گفت خیر من باید مخصوصاً دست و پا کین رئیس را به بینم و مطلب خور را بان بگویم رئیس با کمال معقولیت و گرمی گفت من خودم هستم و در استغای فرمایشات حاضرم و استدعا دارم که اول خودتان را معرفی بکنید فرماید تا معرفت حاصل نموده بعد از آن رجوع خدمت فرمائید — عجزوزه این قسم ملاطفت که از رئیس دیده امید وار گردیده قلبش از اضطراب در آمد چون این زن چندان سرازده نکرده و از خانه کم بیرون میامد — عجزوزه گفت سرکار منزل مرا خوب میدانید چونکه من در منزل بحیر هم می‌کنم کد پانور پرستار دارم

بدهند لیکن مبه را پوست کنده و هسته گرفته که مبادا پوست یا هسته آنها را بخورد ولی مقصود از هسته مبه نه فقط هسته های درشت مبه بوده است در طبع روزنامه اشتباه کرده بودند بلکه مقصود دبکراست زیرا که نمک هم هسته دارد مقصود آنستکه همه قسم مبه بی پوست و بی هسته با کمی شکر بخته باشد که از مزاج رقیق تر و کم شیرینی تر باشد و سرد بدهند بخورد این قسم مطبوخ بسیار مفید بحال اطفال است.

### بیوست مزاج

بیشترین علت بیوست مزاج طفل از غذای بی موقع دانستن است اما از روی تمقل و ملاحظه در وقت معین و غذای مناسب دادن رفع همه اشکالات را خواهد کرد اگر بچه‌ها از کوچکی آموخته کنند که برتت مبین غذا بخورند و همیشه نمز و نسته باشند آن عروق و لمایکه از مسامات پوست بدن دفع میشود رفع و زایل شده باعث سهولت اخراج عرق از بدن خواهد شد چونکه اگر پوست بدن را در شست و شو دهند آن مسامات بدن گرفته خواهد شد و اسباب سد جریان عرق شده مورت کسالت و ناخوشی خواهد شد.

غذای مناسب برای یابس المزاج آب گوشت و غذای جربی دار است و غذای بی جربی همچوقت نباید داد خصوصاً شیر دهنده باید غذای جرب و ملین

بسیار خوب قدری اینجا تشریف داشته باشید تا من خبر بیاورم طایم ماه منظر مانند سرو صنوبر از جای برخواست از دریا که در گوشه اطاق بود و بالای آن نوشته بود (طاق خلوت) داخل شده رئیس گفت خانی است بخور احمد شمارا ملاقات نماید رئیس گفت بگوئید بیاید خانم ماه رو مراجعت نموده بجزوزه گفت تشریف بپرید در این اطاق عجزوزه وارد اطاق شده مرد کاملی را دید که سرش طاس است و بیکه و ندارد و در پشت میز ریاست جلوس نموده است تا چشمش بجزوزه افتاد احتراماً بر خواسته سلام کرد گفت سرکار خانم امید وارم از عهده خدمات مرجوعه

شیر برنج با قدری دارچین کوبیده هم بسیار مفید است  
و اگر باین تدابیر رفع نشد هیچ غذا نباید داد مگر  
شیره گوشت خام بدستور العمل طیب

### طریقه شیر دادن اطفال

بچه‌ها باید عادت داد که شیر را بقاعده و بوقت  
بلوشند و هیچ وقت با عجله و سرعت و لاجرمه  
شیر ندهند برای اینکه شیر بزودی تحلیل نمیرود  
و باعث ترش شدن در معده خواهد شد و ابوقت از  
دوره شکم گریه و زاری خواهند کرد پس باید شیر  
را با تانی و آهسته آهسته بتدریج بکند .  
و سریش از برای بچه‌های کوچک و تازه از شیر  
گرفته خوب نیست چونکه شیرینی قند اسباب خرابی  
دندان و معده طفل خواهد شد ولی عسل صاف  
کرده بی موم خیلی خوب است و فایده کلی دارد  
( بقیه دارد )

### بقیه نور آفتاب

از شماره ( ۱ ) و صفحه ( ۷ ) در زمستان  
لازم است که درهای اطاق مسکونی را هر روز  
یکمرتبه باز نمایند تا هوای تازه و آفتاب در اطاق  
بتابد مخصوصاً اطاق شخص مریض را بکندارند  
آفتاب بتابد ولی نه آنکه روی صورت مریض را  
آفتاب بگیرد و بخیره رسیده است که اشخاصیکه مبتلا  
بمرض مفاصل رماتیزم بوده‌اند در ابتدای مرض  
در بنور آفتاب گردش و حرکت نموده به

و او با جنبه‌الی درستی کامل دارد ( مستر استیون جوس )  
و اسم این کیمنه ( مسس ربکا برین کل ) است  
رئیس از اجتماع این سخنان دسترا بصورت خود کشیده  
و پس از قدری تأمل گفت :

بلی حالا مناسختم که از چه طایفه هستید و خیلی  
از ملاقات شما خورسند شدم زیرا که پسر عموی  
شما آمدم بسیار اسبل نمی‌بایست - عجوزه گفت  
بلی جناب رئیس صحیح است ولیکن چه فایده که  
کاش از مثل این مردمان هائل خیلی صادر می  
شود که اسباب صدمه خودشان بلکه بک طایفه می  
شوند این مستر استیون جوس پسر عموی من است و

قسمتکه موضوع درد را برهنه کرده در زیر آفتاب  
در حرکت بوده رفع مرض شده است  
و از جمله فوائد دیگر آفتاب است که برای محافظت  
بازجه و رخوت از بید و موربانه بایست که بازجه  
دو موقبتکه احیاناً زدن بید می‌رود در آفتاب یک  
روز بن کفند که اگر بازجه دارای تخمید یا خودبید  
باشد از آفتاب هلاک خواهد شد

و دیگر آنکه رخوت سفید را هیچ قسم صابون  
و شستن مثل آفتاب سفید نخواهد کرد ولی انهم  
بدانیم که زیاد رفتن و کار کردن خصوص در تابستان  
ضرر بسیار دارد چنانکه می بیند خشت مانها  
بیشتر خشت هائیکه میزنند در تابستان خوب  
خشک و منجمد میشود پس اثر آفتاب را از  
این جا قیاس نمائید

و دیگر در بعضی بلاد توپ ظهر را قسمی تعبیه  
کرده‌اند که در موقع نصف النهار بواسطه رسیدن  
شمسی بوسط السماء از اثر حرارت آفتاب خالی  
میشود .

پس در صورتیکه حرارت آفتاب بدین درجه باشد  
لابد مغز سرها بمجوش آورده شخص را دیوانه  
خواهد کرد باید اندازه از آفتاب فایده برد که  
جات ما بسته بنور آفتاب است و اگر این آفتاب  
نبود هیچ زندگی خوب نداشتیم شب و روز هم  
نداشتیم تمام وقت و ساعات ما بواسطه آفتاب معین  
میشود

از روزی که شوهر من مرده بازده سال است  
بخدمت کندی او مشغولم و در خانه او همه قسم  
زحمت کشیده و او را بر تمام اقوام ترجیح داده و ترک  
همه چیز و همه کس را نموده باو چسیده‌ام و  
چون او را خیلی دوست می دارم افسوس می‌خورم  
از اینکه او در اشتباهی باشد و بر ذمه خودم  
فرض میدانم که او را از این اشتباه آگاه نمائیم  
و جلوگیری کنم - رئیس سری تکان داده گفت  
ملفت نشدم مقصود سرکار چیست ؟ عجوزه گفت  
این پسر عموی من خبر دارم مدتی است از جناب  
عالی خواهش نموده تا برایش زنی پیدا کند

## بقیه خطاب بدوشیر مکان

از شماره ( ۱ ) اگر قائل بتقدیرات الهی هستیم هر چه که پیش آمد ما میشود باید داخل رضای الهی باشیم راست است که باره از زنها بسیار سبب بخت و کم طالع اتفاق می افتد و بواسطه سوء بخت متصل متوهم و غمگین میشوند خدای نخواست این خیال برای ما پیدا میشود باید تفکر و غصه خوری را کنار گذاشته در رفع دل تشکی بکدیگر بکوشیم ( رضا بداده بده وز جبین کره بکشا که بر من و تو در اختیار نکشوده است ) حسد : زن بر اشخاص نیک بخت صرفه الحال اسباب تیره کی قلب و تاسکری است امان نظر بیلا دست از حیث زنده گی و ملیوس و نظافت و تمییز سبب میشود که رفته رفته چشم از شرف و وجدان پوشیده مبل بسق و ناپرهیزی نمائیم دیده و فهمیده شده است که عیش و خوش گذرانیهای دو روزه این ایم بی انجام یا دارای نتایج ناپسند و پشیمانی نامحدود شده است از بخت فالبدن و از روزگار شکایت کردن علاوه بر تضییع وقت و سباهی دل آهن سرد کوبیدن و مفت بر زندان زندان است که جز فرسودن دست نتیجه ندارد

• صداقت •

همه ما قبلوف دهر نمیشویم اما همه ما می توانیم با صداقت و سخاوت قلب و مهربانی از روی کمال با یکدیگر رفتار کنیم و اگر بخوایم در نظر

از جناب عالی می رسم ایا قبیح نیست از مرد بخواه ساله که هنوز زن اختیار نموده حال این خیال بیفتد ؟ علاوه بجناب عالی عرض کنم که هیچیک از اهل طایفه و قبیله ما راضی باین عمل نیستند این است که بنده آمده ام بجنابانی عرض کنم که از این خیال منصرف باشید .

رئیس دستهای خود را بکمال تأسف بهم مالید . گفت : خانم معذرت میخواهم زیرا که ما نمیتوانیم واز و سر معتری های خود را بدیگری بگوئیم .

خاتم یک نگاه محبت آمیزی برپوش کرده گفت : سرکار رئیس درست میفرمائید لیکن هر کس در دنیا

مردم محترم و معزز باشیم باید قسمی بمهربانی و انصافیت و بمعرفت حرکت کنیم که مورد توجه و عزت دیگران باشیم نه آنکه از روی جهالت و خود بستندی تشخص و تفرعن فروشیم و باعث تکدر مردم و اظهار ذلالت خود شویم تکبر عزازیل را خوار کرد بزندان محنت گرفتار کرد

## رسم زن داری

چون در این جریده شرح مبسوطی در خصوص شوهر داری گفته شد محض اینکه خانمهای محترمات تعرض نمایند که ما گفتیم خاطر زنان همیشه متعلق و متوجه مردان است و مانعاً دائماً طرف مرد را داشته باشیم لازم شد که قدری از تکلیف مرد ها در مرحله زن داری بنویسیم لهذا گاهی از اوقات که مرد بخانه می آید زن بنسای صحبت را گذاشته تعریف از بعضی اشخاص و تربیات مردم یا از وضع زنده گی آنها و یا چیز تازه که دید از برای شوهر خود نقل مینماید و شوهر از آنجا که مرد است و همیشه در بیرون و گردش بوده و از همه چیز چشم و گوش او پر است و با زن اوقات تلخی نموده و خوش ندارد که سکوش بصحبت او بدهد دیگر ملاحظه نمیکند که زن در خانه بوده و چیزی را تا بحال ندیده و وقتی که گاهی بیرون میرود هر چه که دید بنظرش چیز تازه

هر کاری میکند برای قابله و منفعت میکند در اینصورت میل دارد که یک منفعتی در این راه بجنابانی برسانم — رئیس بفرموده رفته بخاطرش رسید که مستراستقون جابس سفارش کرده بود که زنی که برای من پیدا میکنید دولت مند باشد بد و او کرد بهجوزه گفت که : وراثت منحصر بشما است — عجزوزه یکدفعه مثل آنکه آب سردی بر سرش بریزند بی تماشای گفت بل همین من و بسمه که اسمش جان و یلیم است و اورت حقیقی او هستیم و این بسر بد بخت من همین امید واری از بی هیچکار زفته و بهمین انتظار مانده و حال هرگاه این بسر عموی من خدای نکرده خدای

آمده برای شوهر حکایت میکند اما وقتی که مرد این ملاحظات را بگذرد می تواند که با زن از روی تفقد و دل جوئی رفتار نماید خوب است مردها از چیزهاییکه در بیرون دیده و شنیده اند از اخبارات و مطالب عمده و هر نوع اوضاعیکه هست زن را هم اطلاع داده و از همه چیز او را آگاه و مستحضر سازد تا آن زن و شوهر با هم انس و همراز و مقابل بهتر از مقام همسری داشته باشند اگر با زنی خود محبت دارید کوشش کنید که محبت خود را با او معلوم نمائید

که باعث اطمینان قلب و از دست دادن محبت او شود زیرا که هیچ چیز بهتر از محبت و صداقت نیست در همه اعیان خاصه عید نوروز آنچه، البته و مقدور است هدیه از لوازمات زنانه بر سر عیدانه تقدیم نمائید تا همسران شما دلخوش و امیدوار باشند و بدانند که شما در خیال خشنودی آنها هستید صحیح است که مرد مالک رقاب و صاحب اختیار خانه است ولی نباید که زن خانه و از اندازه خود تجاوز کند یعنی در صورتیکه زن کارخان دانستند است و نباید در کارهای او و خیالات او مداخله نمایند مگر نشوید گاهی که زن باشما هم رأی و هم سلیقه نباشد اشکالات روی خواهد داد چونکه اگر هر دو هم رأی و هم سلیقه نباشند خوب و بد را بهتر تمیز میدهند و اثر مشورت منافع و فوائد کلی میرسد

وقتی که يك مطلبی را که راجع بامور زندگانی است نظر بملاحظه شما پندیدید ولی بچند جوبه مصلحت دیگر که ممکن است شما ملتفت نشده باشید و خانم ملتفت شده باشد چه ضرر دارد که آن مطلب را مطرح مذاکره و شور کرده معايب و مصالح آن را بدقت منجیده و از روی تحقیق بان اقدام کنید و تا می توانید سخن را از آغاز تا انجام بملاحظت ادا کنید مرد همینکه بخانه میرود اسکر زن را خوشحال و گشاده رو بیند ایراد نکیرد و اظهار دلتنگی نماید زیرا که مکرر برای خودمان اتفاق می افتد که در بیرون در سر شغل و عمل گاهی يك اوقات تلخی پیدا میکند که در وقت ورود بخانه دل تنگ و پریشان هستیم زن هم ممکن است در خانه یا بواسطه مشقت خانه داری یا زحمت بچه داری و غیره خسته و دل تنگ باشد

### اعلان

دکان تختان اداره دانش همه نوع لباسهای زنانه و مردانه بمد تازه و از روی کتاب سفارش بکمال خوبی برش و اجرت مناسب دوخته میشود چون این دکان تازه خیاطی شده است اعلان نمودیم برادران عزیزتره و ابراهیم

مطبعه «فاروس» طهران

لکن من حضور میتوانم این مرد را از این خیال منصرف نمایم در صورتیکه او را بچند قرضانم معرفی نموده ام و میترسم ناکهان یکی را از آن میان انتخاب نموده با او مزاحمت نماید مگر در يك صورت و آن این است که زنها خیلی مکرها دارند شما از آن مکرها بکار ببرید ضمنا اگر از من هم همراهی لازم شود من قول بشما میدهم که در همراهی حاضر باشم - مجوزم مضطرب شده گفت که عجیب کبری افتاده ام از دست این پسر عموی نادان خودم بعد رو برنویس کرده گفت بسیار خوب من میروم در این باب يك فکری نموده بشما عرض میکنم هرگاه صلاح دیدید اقدام نمائیم (باقی دارد)

نکرده يك چنین کاری بکند و نسی از او پیدا شود حقوق ما بچاره ها از میان خواهد رفت - رئیس گفت بلی خانم صحیح است لکن در وقتی که شما دولتی ندارید جلور از عهده شیرینی و تصارف من برمی آید که من دوز و مهره را بمیل شما بچینم و او را از این صرافت بیندازم - مجوزم گفت پسرم از پدرش بقدر دوست تو مان ارث برده و راضی است تمام ازا بدهد که پسر عمویم چنین کاری نکند و من هم که مادر او هستم راضی نمیشوم که پسرم از این ارث بی بهره شود جناب عالی بیدالذفات فرموده همراهی کنید که او را از این راه برگردانید رئیس گفت: بلی خانم فرمایشات شما همه صحیح